



اجتماعیات

مقام ادب و ادبا در حیات بشر

نویسنده : غلام جیلانی خان جلالی

جورج برکلی [۱] [۱۶۸۴ - ۱۷۵۳]

جورج برکلی بجنوب شرقی آیرلیند در کلبزین بجوار توماس تاون متولد گردیده از مدرسه (نالوث دو بلن) بسن ۲۴ سالگی فارغ التحصیل گردید مولفاتیکه ازو مانده و نام آن برای همیشه باقی است مهم ترین آن کتاب معاملات هیلاس و فیلو ناوس است .
برکلی بسیار تر باطالیبه و امریکا مسافرت نموده بعد از عودت خود در جنوب آیر لیند اسقف کلونین مقرر گردید در اجماعت ۸ سال اشغل خود دوام نموده - پس از ان عزت و رزیده در سال ۱۷۵۳ با کهنورد فوت نمود .
مذهب برکلی در فلسفه مبنی بر عقاید لوك تصويری بود و میگفت : ما اشیا را بدون صوریکه برای آن خیال میکنیم نمی شناسیم یعنی از روی عمل آنرا درك کرده نمیتوانیم .

هیوم [۲] [۱۷۹۶ - ۷۱۱]

هیوم : در جنوب (اد مبورگک) کونیه برویک در شهر نین ولس تولد یافته بدو آ بوکات مرافعات میل نمود لاکن در عزم خود کامیاب نگردید - پس به تجارت مشغول شد اما دران

(۱) Berkeley. (۲) Hume.

خساره کشید. متعاقباً بفرانسه مسافرت و در زبده مدت سه سال در همان قریه که دیکارث نشست یافته بود توقف کرد .

در سال ۱۷۳۹ اجزای نخستین «ولف» (طبیعت بشری) خود را انتشار داد اما جزء خاص آن را در اخلاق بسال ۱۷۴۰ توزیع نمود چون کتاب او رواج خوب نیافت بناءً دل سرد گردیده ببحث سکرتر باجنرال سنت کایر - سفیر اطالیه و الهان مراقت نمود و قنآ که بوطن خود باز آمد کتاب (مباحث در عقل بشری) خود را نشر کرد در سال ۱۷۵۷ (امین دیوان و کلابی) مرافعات اد مپورک تعیین شد ، بعد ازان کتابی را در تاریخ انگلستان تحریر نمود که باعث شهرت او گردید ، مذهب فلاسفی هیوم از نیابی بود و میگفت مابدون کیفیات وجدانی خود که بعضی بابعض دیگر از طباط دارد چیز دیگر نمیدانیم ، گویا شخصاً در مسلك فلاسفی خود بشك مطلق واقع بود و بس .

انطون اشلی کونت شفته - سیری [۱] [۱۶۷۱ - ۱۷۱۳]

ابن فیلسوف در فلسفه با داشتن مذهب وجدانی بوجود خیر از جهت ذات آن عقیده نداشته و در مابین خیر و شر بفرق جوهری نیز قائل نه بود .

فرانسیس همنشون [۲] [۱۶۹۴ - ۱۷۴۷]

همنشون ایرلندی الاصل و بسن ۳۵ سالگی استاد مدرسه گیل اسکو ایرلند تعیین گردیده بشغل خود تا زمان وفات خودش باقی ماند .
مذهب او در علم النفس بامذهب لوگک تقرب داشت لاکن رای اخلاقی این فیلسوف بقوه خاصه نفس که آنرا حس ادبی می نامید و معنی عاطفه و انعطاف را بآن ربط میداد انحصار داشت .

ادام سمیت [۳] [۱۷۲۳ - ۱۷۹۰]

ادام سمیت شخصاً جنسیت اسکاتلندی داشت و در مدرسه کلا - کوا تدریس می نمود ، نظریه او در عواطف ادبی بمقیده فلاسفه اخلاقی وجدانی بود لاکن مباحث او در ماهیت ثروت ملل

(۱) Shaftesbury. (۲) Hatcheson. (۳) Adam. Smith.

و-باب آن مشارالیه را درصفت نخستین اقتصاديون به عالم شناختاند ، او میگفت کار مصدر ثروت و ارزاق است و از بارز ترین شروط برتری کار و انتاج آن کثرت تجزیه کار و حریت در مبادله و حمایت آن است .

در اخلاق قرار داده بود که هر کاریکه انسان بآن مانوس میگردد و بسوی آن جذب میگردد شغلش برای او بهتر است بالجمله ادام سمیت فیلسوف و جدانی و اقتصادی بود .

جرمی بنتام [۱] [۱۷۳۲ - ۱۷۴۸]

در لندن تولد نمود و در آنجا فوت کرد ، بنتام به تشریح جسم خود وصیت نمود او میگفت انسان بطبیعت خود محب ذات خود است و بدون از تقع خود کار نمیکند گویا فیلسوف (انانی) بوده مذهب منفعت پرستی داشت .

توماس رید [۲] [۱۷۱۰ - ۱۷۹۶]

رید پسر یکی از کشیشها بوده بعد از آنکه رئیس يك كلیسه خورد تعیین شد در ابردين و بعد از آن در کلاسکو استاد مقرر گردیده خلیفه ادام سمیت تعیین شد - مولفات او عبارت است : از مباحث عقل بشری - رسایل قوای عقلی - قوای تعالیه - او عقیده داشت که افراط در بحث نظری منجر بشک میشود و انسان را از ذوق فطری دور میسازد مذهب فلسفی او برضد افراط مذهب حسی و ارتیابی بود .

دو جلد استوارت [۳] [۱۷۵۳ - ۱۸۲۸]

دو جلد پنا گردی رید شهرت یافته نقشه او را تعقیب نمود و در کتاب خود : (مبادی فلسفه عقل بشری) را شرح داد .

کولار [۴] [۱۷۵۳ - ۱۸۴۵]

دویر کولار در پاریس تحصیلات مدرسه اسکاتلندی را رواج داده دکتور کوزین و دامپرون و گوفروا از شاگردان او میباشد .

(۱) Jeremie Bentham. (۲) Reid. (۳) Dugald Stewart.

(۴) Royer- Collard.

ولیم هملتون [۱] [۱۷۸۸ - ۱۸۵۶]

ولیم هملتون محاورات فلسفه ، و دروس منطق ، و دروس نظریه لاطیبی را تحریر نمود در نوشتنهای او آثار فلسفه کانت المانی وجود دارد .
فلسفه المان :

اما نویل کانت [۲] [۱۷۲۴ - ۱۸۰۴]

کانت فیلسوف معروف از اختراعات المان در گنچسبرگ پروشیای شرقی بتاريخ (۲۲) اپریل سنه ۱۷۲۴ تولد گردیده علوم را با کادی شهر مذکور تحصیل کرد - و بعد از تعلیم فلسفه لینز طوریکه آنرا شرح و بسط داده مدرس کادی مذکور تعیین شد در انجا مدت ۶۰ سال بوظیفه تدریس علوم فلکیات ، ریاضیات ، فلسفه بسر برد .
افکار فلسفی او به تحریر (هیوم) متأثر گردیده او را در ناحیه ثبات یقینی بیدار تر ساخت نیز از بعضی عقاید ادبی (روسو) حصه معتنا به اخذ نمود ، میشیلیه مورخ او را باین طور تعریف میکند : در کنار بحیره بالتیک مخلوق عجیبی بوجود آمد که بر هر چیز قادر است و از هر شی خزانده میشود . این مخلوق انسان است بلکه مذهب پادرسه جدلی است یا سنگیت صخره در مابین بحر تمام فلسفه که از هیولای مذکور در یافت گردید و باقی ماند آنرا کانت خواندند لاکن در حقیقت (نقد) نامیده میشود این فیلسوف مجرد مدت ۶۰ سال بدون رابطه بشریت زیسته در ساعات معلوم می برآمد تا دوره عادی خود را دور کند با کسی حرف نمی زد بعد ازان واپس بمنزل خود رجوع می نمود به مهم ترین مولفات کانت ۳ است - (نقد عقل مجرد یا نظری سنه ۱۷۸۱) (نقد عقل عملی سنه ۱۷۸۸) و نقد حکم ۱۷۹۰ .

کوبرن در تقریظ این مولفات او میگوید : محررات کانت کوهی است که بفلسفه رنگ داده شده و سرهای بشریت در برابر آن تعظیم میکند .
مذهب او انتقادی و اساس فلسفه جدید است .

خلفای کانت :

در زمان حیات : کانت معارضین بسیار داشت از انجمله برهارد (۱۷۳۹ - ۱۸۰۹) و

William Hamilton. (۱) Kant. (۲)

بلانز (۱۷۴۴ - ۱۸۱۸) که از مبادی لیبرال مدافعه کردند و (هر در) عضو فلسفه با کن شهرت دارند .

جاکوبی :

فیلسوفیکه ذوق فطری و وجدانی را برخلاف نظریه کانت ظاهر ساخت جاکوبی است که باره و شباہت داشت و در سنوات (۱۷۴۳ - ۱۸۱۹) زیسته .

این فیلسوف در شهر دوسلدرف متولد گردیده بعد از تحصیلات در اکادمی مونیخ عضو انتخاب شد (۱۸۰۴) جاکوبی کتابی را بنام روایت فلسفی Woldemar تالیف نمود که باعث شهرت او گردید هکذا در فلسفه سینیوزاهم دارای رسایل است ، در مابین مذهب تصویری و مذهب وضعی نیز محاورات دارد فلسفه او حسی بود او میگفت : وقتیکه من آفتاب را می بینم گفته میتوانم که موجود است ، جاکوبی در اخلاق خیر و شر را تابع شعور میدانست .

فخته [۱] [۱۷۶۲ - ۱۸۱۴]

علوم را در اکادمی شهر یانا Iena تحصیل نمود بعد از آن دو مدرسه شهر مذکور متعاقباً در جامع برلین معلم تعیین شد ، فخته می خواست که مذهب استاذ خود کانت را از ناحیه تطبیق ظواهر و بواطن اشیاء تصحیح کند .

هربرت (۲) (۱۷۷۶ - ۱۸۴۱)

هربرت در شهر کنج تحصیل نمود و در تطبیقات فیما بین تجربه و تأمل بذل سعی نمود فلسفه او به نسبت معاصرین خودش تجربی بود .

هیکل (۳) (۱۷۷۰ - ۱۸۳۱)

هیکل از حدود مناقضات تجاوز نموده در شهر استتگار تولد یافته فلسفه را در جامع هیدلبرگ و برلین آموخت و در برلین بمرض و بافوت نمود ، این فیلسوف در زمان خود بذروه مجرد و نفوذ رسیده دارای قدره عقلی و جدلی بود او میگفت : فکر و کائن ، شیء و احداث هر معقول موجود حقیقی است و هر حقیقی معقول است .

شیلنگ (۱) (۱۷۷۵ - ۱۸۵۴)

شیلنگ در دو کیه ورتبرگک تولد گردیده در آنجا و بعد ازان در مونیخ و برلین تحصیل نمود شیلنگ برای خود برخلاف نظریه حلولی کانت استاد خود مذهب مطلق مثالی را اختیار نمود ،
علوم و علماً :

در قسمت های گذشته مقاله خود حتی المقدور نشان دادیم که در قرن ۱۸ ادبا و فلاسفه اروپای غربی در حیات اجتماعی براعظم مقام او چندبره مالک بودند طبقات مختلفه و اصناف متباینه اهالی را از حیث اشتراک در امور ادبی کم کم باهم نزدیک نموده اشخاص متنوعه از هر صنف و حرفه باهمدیگر تعلق پیدا کردند مثلاً مامورین ، بنجیا ، ارکان دولت ، صاحبان قلم و شمشیر ، مستوفیان ثروتمندان ، فلاسفه ، علمای اقتصاد ، دانشمندان ، صنعتگران و دیگر طبقات قسمیکه از مجموع آنها یک هیئت مخصوصی بنام متفکرین بوجود آمده در تمام این صنوف ادبا و فلاسفه مقام مهم تری را حایز گردیدند .

تفاوتیکه در مابین نویسندگان قرن ۱۷ و اینقرن موجود بود همانا اینک محررین قرن ۱۷ بیشتر در پی تزئین الفاظ و تعبیحات لطیفه ادبی بودند و نویسندگان قرن ۱۸ قوای خود را در بحث مسایل عمومی و ما به الاجتماع جمهور مبذول میداشتند و در مطالبی قلم فرسائی می نمودند که از همان و افکار جوامع غرب را متأثر می ساخت از قبیل مسایل اخلاقی و سیاسی و اجتماعی ! . . .
یا بعبارة دیگر ادبیات قرن ۱۷ جنبه معرفت روحی را دارا بود و ادبانیل از توجه کامل بصحت و انسجام الفاظ و حسن تراکیب کوشش می نمودند که کلیات احوال روحی بشر را که در تمام از منته و امکانه یکسان است تشریحات داده صفات ذاتیه نفس ناطقه و خوا هشات انسانی را در مولفات خود تعریف نمایند اما در قرن (۱۸) اینطور تحقیقات روحی بدرجه دوم مورد توجه نویسندگان بوده اولتر همت خود را مصروف تشریح مسایل سیاسی و اجتماعی مینمودند گویا آنها ادب را از حیث ادب نمی خواستند بلکه آنرا وسیله اظهار عقاید سیاسی می شمردند و انسان را از ناحیه تعلقات او با جامعه و مملکت مورد مطالعه قرار

میدادند و تمام نظریات سیاسی گذشتگان را یکا يك در مقام تشریح و تحلیل گذاشته بانظار انتقادی صبح را از - قیم تجزیه می کردند .

حرکت قویة علمی که در قرن ۱۷ شروع گردید بهمان اسلوب در قرن ۱۸ نیز دوام داشت بحیث عموم میتوان اظهار عقیده نمود که علمای این دوره در يك - سلسله تخصص نداشتند اما بر خلاف تشریحات امروزه تمام علوم را شعب و فروع يك علم کلی تصور نموده آنرا حکمت میخواندند ، دول اروپا هم روز بروز در ترقیات علوم زیاده تر مایل می گردیدند مثلاً در پروس فریدریک دوم اکادمی برلین را اصلاح کرد و بقسمی آنرا تشکیل نمود که بصورت قطعی يك مؤسسه نوی بحساب آمد .

دولت انگلیس و - ایل سیاحت سیاح معروف جیمس کوک را تهیه نموده در حدود - سنوات (۱۷۲۸ - ۱۷۷۹) سه دفعه از سال (۱۷۶۸ - ۱۷۷۱) بحار اطراف قطب جنوبی را سیاحت نمود واقیانوس کلان را پیموده زیلاند جدید و قسمتی از سواحل استرالیا را کشف کرد . دولت فرانسه در زمان لوی ۱۵ میلی برای انجام تحقیقات اکادمی تعیین داده هیئتهای علمیه از جانب اکادمی علوم بکار گماشته میشدند ببال مدد نمود . ازان جمله دو هیئت بغرض دانستن شکل حقیقی کره ارض در ۱۷۳۵ مامور گردید که اکتشافات آنها مناقشه علماء رادرباره شکل کره زمین خانه داد چه قبل ازان نیوتن معتقد بود که کره در حدود قطبین مسطح و در خط استوا برآمدگی دارد .

هیئتی که یکی از اعضای آن کوندامین بود در سال (۱۷۰۱ - ۱۷۷۴) مامور شد که به پیرو امریکای جنوبی رفته در اطراف خط استوا يك قوس نصف النهار را اندازه بگیرد کار این هیئت مدت ده سال طول کشید . در سال ۱۷۳۶ هیئت دیگر مامور شد که در لاپونی مشغول اندازه يك قوس نصف النهار شود یکی از اعضای آن مو برتویس (۱) و دیگر آن کلرو (۲) (۱۷۱۳ - ۱۷۶۵) بود که از ریاضیون معروف بشمار می آمد و مشارالیه نیز مانند پاسکال در عنوان شهاب حایز مقامات بلند علمی گردیده در ۱۸ سالگی بعضویت اکادمی مشرف شد . مدت کار این هیئت یکسال بود .

بدون از کلرو سه نفر ذیل از ریاضیون فرانسوی این قرن را میتوان در ذکاو دانستگی مانند ریاضیون قرن ۱۷ تصور نمود اول : لاگرانج (۱۷۳۶ - ۱۸۱۳) که بعد از موبرنویس بریاست اکادمی برلین مقرر گردید دوم : مونژ (۱۷۴۴ - ۱۸۱۸) سوم : لاپلاس (۱۷۴۹ - ۱۸۲۷) .

فیزیک :

درین قرن فیزیک و شیمی فوق العاده ترقی نمود زیرا مطالعاتیکه راجع به خاصیت حرارت بعمل آمد با اختراع میزان الحراره انجامیده که از آلات سابقه بدرجات فایق بود . در اروپا سه میزان حرارت ساخته شد اول : فارنهایت در انگلستان (۱۷۲۴) و دوم در فرانسه ۱۷۳۰ و سیلسوس در سوئد ۱۷۴۲ چنانچه شخصی موخر الذکر تقسیمات سانتی گراد را معین نمود که حالا از اقسام دیگر بیشتر مروج است . در همین اوقات برادران مون کافیه (۱) که پسران یک نفر تاجر کاغذ فروش انونی بودند در صدد استعمال صعود بخمره برآمده اولین بالون را اختراع کردند که آنها عبارت از یک کره کاغذی بود که در آن بواسطه سوختن پشم و کاه مرطوب تدریجاً هوای گرم بوجود آمده بهو صعود میکرد . تاریخ صعود اولین بالون در شهر انونی روز پنجم ژون ۱۷۸۳ است که مدت پنج هفته بعد از این پیلاتر دو روزیر (۲) (۱۷۵۶ - ۱۷۸۵) برای اولین دفعه بطیران موفق شد ۲۱ نومبر ۱۷۸۳ و همین شخص دو سال بعد در هوای فضای دریای مانس ضایع گردید .

بخار :

در قرن ۱۷ نخستین کبیکه در فکر استفاده از قوه بخار افتادنی پاپن فرانسوی بود که در زمان لوی ۱۴ سال (۱۷۰۷) اولین ماشین را اختراع نمود در قرن ۱۸ یکی از اهالی اسکاتلند (انگلستان) موسوم بوات در طبیعت بخار مطالعات زیادی نموده کیفیت تکاشف و انبساط بخار را بوسیله برودت کشف کرد که بطرف ۱۰ سال اجزای متنوعه ماشین مذکور را تکمیل نموده آنرا یکی از مهمترین عوامل تولید ثروت و پیشرفت امور اقتصادی قرار داد در ابتدا ماشینهای بخار ثابت بود تنها در حفر معادن باربسمان ثابتی و غیره بکار می رفت دو نفر

(۱) Monigolfier, (۲) Pilatrederozier,

فرانسوی یکی کونیو (۱) و دیگری مارکی دوژوفر (۲) این اختراع را اکتال دادند ، زیرا اول الذکر در سنه ۱۷۶۹ قوه بخار را برای تحریک عرابها در خشکه استعمال کرد و شخص دومی در سال ۱۷۷۶ کشتی را با بخار براه انداخت اما عرابه اختراعی کونیو که اولین موتور بحساب می‌رود در سرعت رفتار خود از یک نفر پیاده بطلی تر بود یعنی در ساعتی ۴ کیلو متر قطع مسافه مینمود . کشتی بخار ژو فرو اگر چه در رود دنیوب و سائون و سن حرکت کرد اما مسکنت مخترع مانع گردید که اختراع خود را به تکمیل برساند .

لاکن باید فهمید که اختراع کونیو و ژو فرو در متن علوم و خواص اشیا کشف جدیدی بعمل نمی آید بلکه تنها یک توسعه و استفاده عملی است که این دو نفر مخترع از قواعد مخصوصه قدما استنباط نمودند ، همچنین هرشل (۳) (۱۷۳۸ - ۱۸۲۲) که اولین تلسکوپ بزرگ را اختراع کرد اگر چه اختراع اساسی گفته نمیشد ولی چون اجرام سماوی را بدرجات بزرگ نشان میداد منجمین را موفق گردانید که لکه های قرص آفتاب را مشاهده کرده و هزاران ستاره جدیدی را در آسمان به بینند .

کهربا (برق) : ترقیاتی که از نقطه نظر علمی در قرن ۱۸ راجع بقوه برق بظهور رسید علما بوسیله تجربیات علمی بکشف حقایق بسیاری موفق شدند از آن جمله وحدت طبیعت شعله الکتریکی و برق آسمانی میباشد .

در اواخر عصر ۱۷ اوتو دو گریک نامی (۴) مخترع ماشین بخلیه هوا ماشینی را بصورت ناقص اختراع نمود که از آن قوه برق حاصل میگردد . در مابین این ماشین کره از کبریت می گذاشتند که بوسیله تحریک دستی ذرات اجسام الکتریکی را جذب میکرد ، این طریقه را قدما هم دریافته بودند اما تدریجاً علما کره کبریتی را بیکره بلور عوض نموده قطعات پشم یا پوست را برای تصادم و اصطکاک عمل نمودند که از آن به نسبت سابق شرار های طولی تری را بوجود آوردند از جانب دیگر علما فهمیدند که بعضی از اجسام مایع و جامد رهنمای برقند و اجسام شیشه و چینی بدون برق و اجسام عایقه بشمار می‌روند در سال ۱۷۴۰ یکی از علمای هولاند آله را در شهر لید بفرض جمع و حفظ قوه برق اختراع نمود که شرار های الکتریکی

(۱) Cugnot. (۲) Mar- guis de Jouffroy.

(۳) Herschell. (۴) Ottode Guericke.

آن برای کشتن حیوانات ضعیفه کفایت می نمود . در امریکا فرانکلن تصور نمود که شراره الکتریک با برق ابر مشابهی دارد با اثر تجربه خود روزیکه هوا خیلی متقلب بوده گدی پرانی را بر هوا پرواز داد که بر سر آن پیکانی از فلز نصب نموده بود ازین تجربه ناگهانه مشاهده نمود که چند شراره از رشته گدی پران ظاهر گردید (۱۷۵۲) و بعد از تجربه مذکور فرانکلن آله برق گیر بر تیار کرد (۱۷۶۰) که از جنس آلات برقی در حیات عملی نخستین آله مفیدی شمرده میشود .

شیمی : مخترع اساس شیمی جدید لاولدازیه فرانسوی بود (۱۷۴۳ - ۱۷۹۴) اگر چه معاصر او قبل از مشارالیه علمای شیمی بسیاری بوجود آمدند که چند رقم نمک و گاز های منفرد را کشف کردند چنانچه از جمله همان علما پریستلی (۱) انگلیس (۱۷۳۳ - ۱۸۰۴) اکسیجن و شیل سوئدی (۱۷۴۲ - ۱۷۰۲) کاور را تحصیل کرد که در همان روزها از عناصر مذکور در سفید کردن منسوجات کار گرفته میشد اما هیچ کدام از علما بکشف آنچه طریقه علمی موفق شده بود که اکتشافات علمی بر طبق آن مبنی گردد بنام لاولدازیه افتخار کشف قوانین حقیقی این طریقه را دریافت نموده تحقیقات مذکور بر اساس ذیل گذاشته شده بود : اگر چه از حیث صورت تغییر ماده ممکن است اما از روی وزن هرگز ماده را نمیتوان تغییر داد برای تقیضات علمی ترازوی دقیقی را استعمال نمود این عالم بزرگ شیمی در سن ۲۷ سالگی راجع بترکیب هوا و احتراقات و ترکیب آب به تحقیقات مهمه خود آغاز کرد چنانچه مدت پنجسال متوالی درباره تنفس حیوانات تجربه نمود غایبه الایس میزان ترکیب هوا را دریافته اهمیت اکسیژن را در احتراقات معین ساخت (۱۷۷۰ - ۱۷۷۵) بعد ازان لا و دازیه بترکیب و تجزیه آب مشرف شد (۱۷۸۳) علاوه شخص مذکور جدول ای اجسام را ترتیب داده توزیع نمود که جدول مذکور را تمام علمای فرنگستان تسام نموده اسامی مذکور بمنزله لغات بین المللی علمی شیمی قرار گرفت .

علوم طبیعی : تحقیقات مهمه علوم طبیعی هم از قرن ۱۸ آغاز شد چنانچه یکی از علمای فکور سوئد مو-وم به لینه (۲) (۱۷۰۷ - ۱۸۷۸) که مقنن و متجددنیات شناسی در مابین علما منقب گردیده با اثر زحمات تورن فور (۳) فرانسوی (۱۶۵۶ - ۱۷۰۸) طبقه بندی نباتات را انجام کرد در کتاب خود معروف به اساس علم نبات شناسی (۱۷۳۷) تسمیه نباتات را معین نمود . این کتاب

(۱) Priestly (۲) Linne (۳) Tournefort.

باندازه مقبول افتاد که در تمام جاها رواج یافته تا هنوز متداول است .
یکی از دانشمندان فرانسوی مشهور به برنار دوژ و سیو (۱) (۱۶۹۹ - ۱۷۷۷) در علم
نبات شناسی زحماتی کشیده برادر زاده اولوران ژو-یو (۱۷۴۸ - ۱۸۲۶) بدنیاال عملیات اوطبقه
بندی جدید نباتات را طرح نمود که زیاده تر بمناطق مقرون و آنرا دسته بندی طبیعی نام گذاشته اند
لینه شخصاً اقرار می نمود که از ناحیه علمی و فطری این ترتیب بر طبقه بندی او برتری دارد . مشهور
ترین علمای طبیعی کنت دو بوفون (۲) (۱۷۰۹ - ۱۷۸۸) پسریکی از اعضای پارلمان دیرون
واز جمله نویسندگان و علمای بزرگ بود .

بوفون بمعاونت چند نفر دیگر کتاب تاریخ طبیعی خود را که ۲۹ جلد است تالیف نموده انواع
و اقسام موالید ثلاثه حیوان ، نبات - جاد را طبقه بندی و شناختاند و در آخرین سال عمر
خود که بعد از ان انقلاب کبیر فرانسه آغاز میشود کتاب جداگانه را بنام ادوار طبیعی
فی الحقیقت تاریخ فلسفه کره ارض شمرده میشود انتشار داد . از آثار او تاسیس و تنظیم باغ
شاهی است که امروز باغ نباتات شهرت دارد . این موزه که از یادگار بوفون است در
اوقات انقلاب ترقی نمود حتی یکی از مسراگز بزرگ علمی عالم قرار گرفت . آوازه علم و شهرت
او باندازه بلند گردید که در حین حیات او مجسمه اش را ساختند و تا حال همان مداله در مدخل
باغ نباتات پاریس بر پاست .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

صنعت و صنعتگران :

صنعت معماری : اگرچه ذوق طبقه عالی قرن ۱۸ در اکثر از صنایع منعکس گردید ولی
با وجود آن صنعت معماری ازان مستثنی و تحت تاثیرات جدیده واقع نشد چه عمارات این قرن
همان اصول قصور عالی لوی ۱۴ ساخته شد و معماران بهمان اصول - اسلاف بتقلید اکتفا ورزیدند
از زمره معماران معروف این قرن کاربیل (۱۷۱۰ - ۱۷۸۲) قصور مجلل میدان لوی ۱۵
را در پاریس تعمیر نمود که (امروز بمیدان کنگر و شهرت دارد) علاوه مدرسۀ نظام
تریانون کوچک را درور-ای و ساختمانهای بورس را در شهر بوردو اساس گذاشت و
انجام نمود .

(۱) Bernard de Jussieu. (۲) Conte de Buffon.

لوی : (۱۷۳۵ - ۱۸۰۰) کاری های عمارت پاله روایان را در پاریس و تیانر بزرگ شهر بوردورا بنانهاد .
 سوفلو (۱۷۱۹ - ۱۷۸۶) بانی کلیسای سنت ژنویو است که امروز به پان تئون معروف گردیده است .
 هره (۱۷۰۵ - ۱۷۶۲) موجد میدان استا نیسلاس در شهر نانیس بشمار میرود .
 پرو - ومانسار : (۱) بتقلید ستونهای لور دور سای و کلیسای انوالید عمارات ستون دار بسیار ساختند حتی معماران در ساختمان عمارات کوچک که بفرمان لوی ۱۵ و امر مقربان دربار و معشوقهای پادشاه متمواین بشمار زیاد ساخته شد مانند شوازی ، یل ود ، له لوژ ، برنیوربون (۲) و غیره که امروز هم خراب شده است هیچ طرز جدیدی را عمل نکردند لاکن بکنوع تجدد خشک و خنکی که در عمارات قرن ۱۸ از قسم برجستگی کتیبه ها و برخی تزئینات بعمل آمده و تماماً ظرافت ظاهری است ، هکذا بناسی تزئینات اساس البیت از قبیل میز و چوکی و نابلو ها و غیره نیز به نسبت زمان لوی ۱۴ تفرات و تکلفات بوجود آمد اما تماماً مبنی بوالهوسی بوده شهادت استادی را کمتر دارا بود .

نقاشی و حجاری :

نقاشی و حجاری این قرن مانند صنعت معماری مظهر ذوق اهل زمان بوده نقاشان و مجاران تقلید صنایع عهد لوی ۱۴ را تماماً متروک ساختند و اغلب صنعتگران تا اندازه از پستی ذوق کاری گرفتند که لطایف صنعت دوره رنسانس (تجدد کبیر را) نمی فهمیدند مثلاً بوشه که از نقاشان زبردست آن عهد بود بشاگرد خود فرا کونار که عازم روم بود چنین فرموده است :
 « تومبروی ناآثار را فای و میکل انز را تماشا کنی لاکن آگاه باش که اگر باآثار آنها فریفته شوی کارت خراب و نفشت بر آب است . » یعنی مردمان این قرن بعوض جمال و عظمت عموماً طالب زیبایی ظاهری بودند اگر چه نقاشان این قرن نقاشی را از حکایات و افسانه های اساطیر یونانی می گرفتند اما بدخل دایره تزئین و ظرافت ؛ مثلاً بعوض تصویر جنگهای اسکندرا کبر و سلحشوران زره پوش و سواران باخودروی و یونانی مناظر عیدها

(۱) Perrault- Mansard. (۲) Choisy- Bellevue- Les loges- Brinborion

و مجالس طرب و تماشا و احوال چوپانان و دهقانان را نقاشی می نمودند اگر چه بعضاً با تمس الامر در زمان خود مراقبت هم میکرد اما تماماً از ایهت و وفار خالی بود از مهم ترین نقاشان مخترع و استاد این سبک واتو (۱) بود (۱۷۸۴ - ۱۷۲۱) که رسماً نقاش مجالس جشن و مناظر بزم لقب داشته پدرش از اهالی ولانس و پشاهش پوشیدن سقف عمارات بود ، و او در سن ۱۸ سالگی پاریس آمد و بتقاشی پردهای نیاتر مشغول گردید سپس ازان بفرمایش یکی از تجاران پردهای تجارتنی تصاویر بزرگان و پیشوایان دین مسیح (ع) را رسم می نمود ، کروزا یکی از مستوفیان بزرگ برای واتو شهریه مقرر داشته بتشویق او همت گماشت از آثار معروف واتو که تا هنوز در علم صنعت شهرت دارد (پرده معروف کشتی نشینی بقصد - سی تر) است که بسن ۳۳ سالگی آنرا تصویر کشید و چهار سال بعد ازان جهان را وداع کرد ، واتو در صنعت نقاشی یگانه روزگار و شاعر فن نقاشی بحساب می رفت از آنجا که در نقاشی روپن تحقیقات و مطالعات می نمود نایب نقاشی او در آثارش ظاهر است ، واتو اشخاص را ظریف می نگاشت و مناظر را بسیار نغم انگیز طرح مینمود ، در واقع این نقاش زردست حفاقی عالم خارجی را با دقایق عالم خیال آمیخته است اگر چه بسیاریها بتقلید او پرداختند لاکن فقط یکی از اهالی پاریس لانسیریه (۲) نام (۱۶۹۰ - ۱۷۴۳) تا اندازه باسرار صنعت و هنرمائی واتو اطلاع یافت .

فرانسوا بوشه :

(۱۷۷۰ - ۱۷۰۳) از اهالی پاریس است ، این استاد اگر چه بدرجات از واتو پسترات است اما در زمان خود مشهور ترین نقاش مجالس بزم و جشن و تفریح محسوب میشود .

بوشه در عمل نقاشی دارای روانی فوق العاده و قوه تخیل بی نظیر بود ، گذشته بر نقاشی گراور سازی ، نقشه کشی ، رنگ آمیزی ، طرح تصاویر برای کتب میدانست در نقاشی پابند موضوعات مخصوص نبود از آثار او ده هزار تصویر و يك هزار تابلو بیادگار مانده است .

شاگرد فرانسوا بوشه فراگونار (۳) (۱۷۳۲ - ۱۸۰۶) پسر یکی از ابریشم کاران اطراف کراسی بوده و بدرجات از استاد خود فایق گردید ، خیال سرکش و هرجائی اودارای دست و پنجه چابک و بی نظیر بود در حسن رنگ آمیزی و سایه و روشنی که در مناظر طبیعی

(۱) Lanceret. (۲) Watteau. (۳) Fragonard.

کار میکرد مهارت خود را باندازه ظاهر ساخت که او را باید از استادان بزرگ شمرد و باو اتودر-سبک قرابت داشت . فراگونار بدون پوشه شاگرد بشاردن نیز بود .
 بشاردن (۱) (۱۶۹۹-۱۷۷۹) تماماً مخالف استاد نخستین و او را مقدس ترین صنعتگران قرن ۱۸ مینامند پدرش نجار پارسی بود ، این شخص بدون فکر خودش استادی نداشت ، زندگانی طبقه متوسط و توانگران پاریس را بطور ساده و حقیقی رسم کرد که مشارالیه را ازین ناحیه استاد بزرگ و مصور حقایق خارجی میدانند در همان زمان ظواهر پسند آثار متین و استوار او مقبولیت پوره یافت .

چون در آخر قرن ۱۸ مردم از تشکیک و بی دینی باز گشتند آثار شاردن مقلدین زیاد پیدا کرد مانند کروزی (۲) (۱۷۲۵ - ۱۸۰۰) که از اهالی بورگونی بود ، اما این شخص مانند شاردن در آثار خود دارای سادگی و صدق نمایش نبود ، تصاویر معروف او از قبیل کوزه شکسته وزن شیر فروش و دیگر نقاشی های اخلاقی او مانند پدر خانواده در حال خواندن انجیل شریف و عروسی دوستان ، بازگشت طفل بدخو و غیره که در آن زمان اعصاب بینندگان را مرعش ساخته بود امروز خالی از سادگی و متصنع معلوم میشود .

ریگو (۳) ولار ژیلر (۴) که در ۱۷۰۳ و ۱۷۴۶ مرده اند کار شان تصاویر اشخاص بود اگرچه از اساتید قرن ۱۸ محسوبند اما بهترین آثار خود را در عهد لوی ۱۴ ساخته اند بناءً علیه از مفاخر امپراطور مپکوز بشکار و امپراتور و مطالعات فرنگی

ناتییه (۵) (۱۶۸۳ - ۱۷۶۶) آثارش هرگز به اصطلاح ضعیف و نرم میباشد ، اما با این از زیبایی و لطافت خالی نیست .

مورس کانتن دولاتور (۶) (۱۷۰۴ - ۱۷۸۸) در شهر سن کانتن تولد یافت پدرش مهندس و جغرافی دان بود ، این شخص در معرفت النفس هم مانند نقاشی مهارت داشت او میگفت من در حین تصویر بدون التفات اشخاص مافی الضمیر آنها را می خوانم فی الحقیقت در تصاویر بیکه از معاصرین خود رسم نموده روح اشخاص را از زیر خطوط و نقوش ظاهر ساخته است .

(۱) Bechardin (۲) Greuze (۳) Rigaud. (۴) Largillere.

(۵) Nattier. (۶) Maurice - Quentin de le tour.

حجاران:

معروفترین حجاران قرن ۱۸ عبارت از لولورن، کیوم کوستو، بوشاردون پی کال فالگونه، هودون میباشند (۱).

لولورن در پاریس تولد یافت (۱۶۶۶ - ۱۷۴۳) شاگرد ژبراردون بود، این استاد مجسمه معروف اسپان آفتاب را که حیرت آورترین مجاری فرانسویان است صنعت نموده در عمارت روهان که امروز مطبعه ملی است برپا نمود.

کیوم کوستو (۱۶۷۷ - ۱۷۴۶) از اهالی شهر لیون و شاگرد و برادر زاده کوازوکس (۲) بود از آثار معروف او مجسمه زیبای رون است در آخر عمر مجسمه اسپهائی را که اکنون در خیابان شانزده لره پاریس نهاده اند و عاقله سهدم آنرا اسپان مارلی میگویند تیار کرد. چهار اینککه تمام عمر شان در قرن ۱۸ واقع و بنا بر تاثیر محیط دارای آثار ظریف و تنوع بودند و مجسمه های کوچک و دقیق و مجسمه های بزرگ و کلان از آثار آنها بانیت از آجمله لوشار دون از اهالی شاپانی (۱۶۹۴ - ۱۷۵۲) که شاگرد کوستو شمار میشد مجسمه سواره لوی ۱۵ تیار کرد که در انقلاب خراب کرده شد.

علاوة اشکال اساطیری حوض بتون در پارک و رسای و مجسمه حضرت عیسی و مسیح علیهما السلام را در کلیسای سن سوپلیس پاریس و مجسمه فرشته عشق که مشغول تراشیدن گمان خود است و مجسمه فواره کوچه گرنیل را نیز او درست کرده است.

پیکال (۱۷۱۴ - ۱۷۸۵) و فالگونه (۱۷۱۶ - ۱۷۹۱) که هر دو نفر از قترای پاریس بودند شاهکارهای تاریخی را بنیادگار گذاشتند پیکان فبردوک دارکور را در کلیسای نتردام پاریس و مقبره مارشال سادوکس را در کلیسای سن توماس بشهر اسپراسبورخ اساس نهاد و فالگونه مجسمه عظیم پتر کبیر را سواره در شهر سن پطرس بزرگ تراشید هکتا چندین مجسمه دیگر ازین دو نفر استاد بنیادگار مانده که تا هنوز سرمشق استادان مجاری

(۱) Le Lorrain. Guivaunre- Coustou. Bouchardon. Pigalle.

Fal Coliet. Houdon.

(۲) Coy seuox.

شمرده میشود و انسان گمان میکند هر کدام از موجودات زنده است، اما استاد بزرگ هلودن (۱۷۴۱ - ۱۸۲۸) که از اهالی ورسای و شاگرد پیکال بود علاوه بر مجسمه اخلاقی نیم تنه دو مجسمه مرمری یکی از ولتر که در حال استهزاست و در تیاتر کمدی فرانسه موجود است و دیگری موسوم بدیان که بکاترین دوم تقدیم داشته و در موزه لور نمونه آن از مفرغ موجود است از مجسمه‌های بی نظیر و جاذب ترین پدیده‌های است که تاکنون از مرمر تراشیده شده است.

صنعت بر اعظم اروپا :

شهرت صنعتگران فرانسه در عصر ۱۸ فرانسه منحصر نه بود بلکه آوازه کمال آنها در تمام بر اعظم منتشر بوده بادشاها ن اروپا مانند فریدریک دوم و کاترین ثانی از همه بیشتر خواهشمند آثار آنها بودند.

کامل ترین مجموعه آثار و اتولانتیکم و استادان خورد در شهر پوتسه ام وجود دارد در حقیقت بسبب توجه و میل سلاطین صنایع فرانسه سرتاسر اروپا را گرفته در قرن ۱۸ تمدن آن باعث تهیج احساسات ملل دیگر واقع شد چنانچه یکی از چهاران فرانسوی که در المان کار میکرد میگوید پاریس امروز دارای همان منزلت است که یونان در زمان ترقیای صنایع خود مالک بود، چه فرانسه به تمام عالم صنعتگر و استاد میدهد. از جمله ملل غربی تنها انگلستان دارای صنعتگران مبتکر بود مانند رینولد (۱) (۱۷۲۳ - ۱۷۹۲) و کیس بورو (۲) (۱۷۲۷ - ۱۷۸۸) بیشتر ازین دو نفر استاد موسوم به هوگارتس (۳) (۱۶۹۷ - ۱۷۶۴) وجود داشت که مالک هنرمندی تعجب آور و صاحب نظر نقاب و نقاد بود اگرچه آثار او از خشونت مبری نیست اما از حیث جنبه تاریخی و نمایش آداب و رسوم انگلیسها در همان فرصت استاد نابغه بنظر بر میخورد خاصه در پرده های عروسی و غیره !

فن موسیقی :

طوریکه فرانسه از حیث نجاری و حجاری در قرن ۱۸ حایز مقام عالی بود در موسیقی المان دارای منزلتی بود که در تاریخ موسیقی خیلی اهمیت دارد زیرا درین قرن پنج نفر نوابغ موسیقی

(۱) Reynolds. (۲) Gainborough. (۳) Hogarth.

در المان ظهور نمودند : هندل ، باخ ، گلوک ، هایدن ، موزار (۱) .
 هیندل (۱۶۸۴ - ۱۷۵۹ -) و باخ (۱۶۸۵ - ۱۷۵۰) در موسیقی مذهبی خود متخصص
 بودند، هیندل غالباً در لندن زندگانی می نمود و در هامبا در گذشت ، باخ دائماً در شهر
 آلبریک المان می زیست .

کلوک (۱۷۸۷ - ۱۷۱۴) از اهالی ماور صحنه های مرتب ساخت که غالباً از آثار محله بشمار
 می رود کلوک در سنه ۱۷۷۷ بنا بر دعوت ملکه ماری انتوات بیاریس آمده دو قطعه از آثار
 معروف خود را نمایش داد اما بعض افراد صاحب ذوق آثار یکنفر ایتالیائی موسوم به پیک
 سینی (۵) را بر آثار کلوک ترجیح می دادند درین باره صاحب ذوق بدو جنبه تفریق گردیده
 منازعه شان بلند شد جمی از اهالی شهر و دربار طرفدار کلوک و حصه جانب دار پیک سینی
 بودند .

هایدن (۱۷۳۳ - ۱۸۰۹) اطریشی موجد سبک (سن فونی) است ، مشارالیه با ترکیب
 چند آله مختلف موفق گردید تا احساسات و هواجس بشری را ترجمانی کند .

موزار (۱۷۵۶ - ۱۷۹۱) در شهر استراسبورگک تولد شد بعد از تحصیلات ناخفه فن
 موسیقی محسوب گردید در تنوع آثار و کمال هنرمندی بی عدیل است در زمان کودکی آثاری
 از موزار بظهور پیوست که بر عبقریت او دلالت مینماید ، در ۸ سالگی قطعات تالیفی او فیما بین
 عام و خاص نشر گردید ، موزار در سن ۳۵ سالگی جهان را وداع گفت و از خود بتعداد
 زیادی از موسیقی مذهبی عیسائی و غیر آن بده قطعه تیارتر بیاد گدار گذاشت از جمله عروسی
 فیکارو ، دوژوان ، فی مسکور ، از معروفترین آثار موزار بحساب می رود . (تا تمام)

